

The Expansion of Morality among the Clergies as an Institute with Emphasis on Social Roles in an Interview with Dr. Seyed Hossein Sharafuddi

Seyyed Hossein Sharafuddin¹

Abstract

From a sociological point of view, the clergy is not a guild in both the Shia religious system and the Catholic Christian system, but is considered a religious institution that has extensive social roles, especially in our Iranian society. Undoubtedly, the link of this institution with the society will be favorable when the matter of ethics and the observance of moral rules by this institution in its actions due to its relationship with the society are duly respected. On the other hand, playing these roles in the society by the clergy should be in such a way as to provide the conditions for the expansion of ethics in the society. This explanation raises the general question in the mind that basically, how can the clergy be effective in both areas, i.e., observing ethics and moral rules and spreading ethics in the society through its social roles.

Keywords

moral expansion, moral rules, clergy, assigned role, social roles.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



¹Professor of Sociology Department of Imam Khomeini Educational -Research Institute, Qom, Iran.sharafoddin@gmail.com



اخلاق گسترده در نهاد روحانیت با تأکید بر نقش های اجتماعی در گفتگو با دکتر سیدحسین شرف الدین

سیدحسین شرف الدین^۱

چکیده

از نظر جامعه‌شناختی، روحانیت چه در نظام دینی شیعی چه در نظام مسیحی کاتولیک، یک صنف نیست، بلکه یک نهاد دینی تلقی می‌شود که نقش‌های اجتماعی گسترده‌ای به‌ویژه در جامعه ما بر عهده دارد. بدون تردید، حلقه وصل این نهاد با جامعه، زمانی مطلوب جلوه خواهد کرد که این نهاد در کنش‌هایی که بواسطه ارتباطی که با جامعه دارد، امر اخلاق و قواعد اخلاقی را به‌طور شایسته رعایت کند. از طرف دیگر، ایفای این نقش‌ها در جامعه توسط روحانیت باید به‌گونه‌ای باشد که شرایط گسترش اخلاق را در جامعه فراهم کند. این توضیح، این پرسش کلی را در اذهان ایجاد می‌کند که اساساً روحانیت چگونه می‌تواند با ایفای نقش‌های اجتماعی خود در هر دو بخش، یعنی رعایت اخلاق و قواعد اخلاقی و گسترش اخلاق در جامعه، مؤثر باشد.

^۱استاد گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.



کلیدواژه‌ها

اخلاق گستری، قواعد اخلاقی، روحانیت، نقش محول، نقش‌های اجتماعی.

✚ در خدمت استاد دکتر سیدحسین شرف‌الدین، دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و استاد گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام هستیم. جناب استاد، عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت شما و تشکر می‌کنم از وقتی که در اختیار بنده و البته فصلنامه اخلاق قرار دادید. همان‌طور که مستحضرید، فصلنامه اخلاق با توجه به مسئله اخلاق تبلیغ دین که یکی از مسائل مهم و محوری میز اخلاق دفتر تبلیغات اسلامی است، دو سال پی‌درپی تلاش کرده مقالات و مصاحبه‌هایی را در قالب ویژه‌نامه‌ای با عنوان «اخلاق کنشگری اجتماعی روحانیت» جمع‌آوری و منتشر کند. این دومین ویژه‌نامه‌ای است که در دستور کار این فصلنامه قرار دارد.

✚ در ابتدا بفرمایید نقش‌های اجتماعی محول و موردانتظار از روحانیت به‌عنوان یک نهاد در جامعه کنونی ایران کدام‌اند؟ در واقع، جامعه ایران چه نقش‌هایی بر دوش نهاد روحانیت قرار داده است؟

بنده هم خدمت شما و همکارانتان در فصلنامه اخلاق عرض سلام دارم و تشکر می‌کنم از اینکه تلاش می‌کنید به این موضوع مهم که اتفاقاً از حساسیت زیادی هم در جامعه ایران برخوردار است، پردازید. قبل از پاسخ‌دادن به این سؤال، مقدمتاً به یک نکته روشی اشاره کنم و آن اینکه پاسخ‌های بنده به سؤالات حضرت‌عالی در این مصاحبه عمدتاً گزیده‌ای و خلاصه خواهد بود؛ یعنی سعی می‌کنم نکات موردنظر را به‌صورت مجموع گزاره‌هایی موجز و مختصر و عاری از توضیحات تفصیلی و طولانی خدمت شما و مخاطبان مجله عرضه کنم؛ چون اولاً در موضوعات جدیدی مثل اخلاق کنشگری اجتماعی روحانیت، ادبیات تولیدی قابل توجهی وجود ندارد تا بتوان بدان ارجاع داد و بنای من هم بر تکرار مکررات نیست.





ثانیاً طرح ایده‌های گزیده، زمینه‌ای فراهم می‌سازد تا پژوهشگران علاقه‌مند بتوانند این سنخ مباحث را به صورت گسترده و میان‌رشته‌ای پیگیری کنند و ثالثاً طرح برخی توضیحات برای غالب خوانندگان آشنا به این حوزه موجب ملالت و خستگی خواهد بود؛ چراکه در عصر و زمان ما، عموم طالبان علم به دلیل انس زیاد با فضای مجازی و پدیده نوظهور ژورنالیسم علمی معمولاً اقبالی به مباحث تفصیلی و گسترده ندارند. بر این اساس، رعایت ایجاز، البته نه ایجاز مخمل، شاید برای انتقال مطالب بیشتر در فرصت محدود، گزینه مناسبی باشد.

در پاسخ به سؤال شما باید عرض کنم به طور کلی، نقش‌های ذاتی و تبعی نهادی همچون روحانیت معمولاً با عطف توجه به شواهد درون‌دینی، تجربه‌های تاریخی، اقتضائات ثابت و متغیر حیات جمعی مؤمنان و مصلحت‌اندیشی‌های عقلایی تعیین می‌شود. روحانی در فرهنگ شیعی به عنوان عالم و حامل دین، ناقل و مروج دین و الگوی دین‌داری و معنویت به تبع نقش‌های محول و محقق که در جامعه عهده‌دار است، غالباً با عنوان‌های خاصی همچون معلم، واعظ، خطیب، مفسر، مبلغ، مفتی، مجری (هدایت‌گری در اجرای برخی مناسک)، حافظ (فرهنگ دینی)، مدافع و اقامه‌کننده (حدود الهی در جامعه) معرفی می‌شود.

در ایران، منظومه نقش‌های سنتی و مألوف روحانیت به تبع جهش موقعیتی و ساختاری دین و صدارت‌یابی رسمی و بلامنزاع آن (موقعیت‌یابی فرانهادی) در دوره بعد از انقلاب، دستخوش برخی تغییرات شد. انقلاب اسلامی زمینه و فرصتی استثنایی برای بسط کمی و کیفی موقعیت روحانیت و امکان حضور در عرصه‌ها و میدان‌های مختلف، ایجاد زمینه مساعدتر برای ایفای رسالت تبلیغ، امکان آشنایی بیشتر با جهان‌های اجتماعی مختلف، تأثیرگذاری بیشتر بر واقعیت‌های محیطی و تأثیرپذیری از آنها، کسب امتیازات و اعتبارات اجتماعی و زمینه‌ای برای تجربه برخی تعارضات و تناقضات موقعیتی فراهم ساخت.

از منظر جامعه‌شناختی، تنوع و تکثر موقعیت، بالقوه نوعی امتیاز و موهبت اجتماعی شمرده می‌شود؛ اگرچه ناتوانی در ایفای نقش‌های محول و تأمین انتظارات مرتبط با آن ممکن است این نعمت را به نعمت تبدیل کند. در هر حال، روحانیت به تبع تحول موقعیتی ناشی از انقلاب، به ایفای طیف وسیعی از نقش‌های فرهنگی و اجتماعی اعم از اصیل و تبعی، با سابقه و نوپدید مأموریت یافت.

≠ با توجه به تفکیکی که حضرت عالی بین دو نقش اصلی و تبعی برای روحانیت قائل شدید و البته بر اساس همین دو نقش، مأموریت‌هایی را هم برای این نهاد تعریف کردید، بفرمایید چه دسته‌بندی دیگری می‌توان ذیل این دو نقش ارائه کرد؟

ارائه مستندات تاریخی حکایت از آن دارد که نهاد روحانیت به‌عنوان کارگزار فعال عرصه فرهنگی اجتماعی در جامعه اسلامی شیعی همواره به تبع جایگاه اجتماعی دین، فرصت‌ها و محدودیت‌های محیطی، شرایط عام جامعه مؤمنان، نوع انتظار آن‌ها از روحانیت و توان کمی و کیفی روحانیت برای پاسخ‌دهی به نیازها و مطالبات، به ایفای نقش‌های خاصی اهتمام کرده است.

اهم نقش‌های اصیل (ذاتی) و تبعی روحانیت را می‌توان در موارد ذیل دسته‌بندی کرد: (۱) نقش تبلیغی که عمدتاً در قالب وعظ و خطابه، تجلی کرده است؛ (۲) نقش تعلیمی که عمدتاً در قالب آموزش دروس رسمی رایج در مدارس و حوزه‌های علمیه، آموزش شرعیات و قرآن به نوآموزان و تدوین و تألیف برخی آثار علمی متناسب با نیاز مخاطبان تبلور یافته است؛ (۳) نقش پژوهشی که عمدتاً با هدف کشف درونمایه‌های معرفتی (نظری و عملی) اسلام، شرح و تفسیر عقاید و آموزه‌ها، مقایسه اسلام با دیگر ادیان و پاسخ‌دهی به سؤالات و شبهات صورت پذیرفته است؛ (۴) نقش مشورتی که عمدتاً در قالب ارائه خدمات مشاوره‌ای روحانیت به توده‌ها در زمینه‌های اعتقادی، اخلاقی، عرفانی، فرهنگی، اجتماعی، ارتباطاتی و خانوادگی تبلور یافته است؛ (۵) نقش الگویی که شخص





روحانی در تلقی غالب متشرعان کسی است که به واسطه سلوک اعتقادی، عبادی و اخلاقی مستمر، تجسم عینی آموزه‌هایی شده که خود مبلغ آن‌هاست. چنین فردی به‌ویژه از نظر معنوی و اخلاقی برای رهروان، نقش راهبری و مرجعیت الگویی دارد؛ ۶) نقش مناسکی که غالباً در کسوت امامت جماعت و جمعه، روحانی کاروان برای اجرای مناسک حج و عمره و دیگر عبادات و مراسم جمعی مشاهده می‌شود؛ ۷) نقش مرجعیت فقهی که از بسیط‌ترین صورت پاسخ‌دهی به سؤالات شرعی با ارجاع به فتاوی‌ای علما تا بارزترین نوع آن در استنباطات فقهی، پاسخ‌دهی به استفتائات و انتشار رساله‌ عملیه جلوه‌گر شده است؛ ۸) نقش‌های اجتماعی همچون عهده‌داری امر قضا (رفع خصومات و مراعات)، انجام امور حسبیه (مثل سرپرستی ایتام و مدیریت اموال بدون مالک)، تولیت اموال موقوفه و بقاع متبرکه، جاری‌ساختن خطبه‌های ازدواج و طلاق، اصلاح ذات‌البین، و اموری از این قبیل بوده است؛ ۹) نقش سیاسی که در قالب مشارکت برخی از روحانیون شاخص در کسوت رهبران سیاسی و پیشروان جنبش‌های اجتماعی به ظهور رسیده است. همچنین بخشی از نقش سیاسی روحانیت در قالب مواجهه انتقادی با اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه و به‌ویژه نقد ارباب قدرت و عملکرد آن‌ها و در بیانی عام، «امر به معروف و نهی از منکر» محقق شده است.

در پرتو تحوّل موقعیتی ناشی از انقلاب اسلامی و بسط فزاینده حضور روحانیت در موقعیت‌های مختلف، این نهاد به‌صورت قهری به ایفای نقش‌های دیگری نیز متعهد گردید و خود را در معرض آزمون تاریخی پرتلاطم و خطیری قرار داد. این بسط موقعیت که غالباً به اقتضای ضرورت‌های ناشی از انقلاب و فقدان متولی معین یا متعهد به وجود آمده بود، رفته‌رفته به دلیل استمرار این ضرورت‌ها، شکل نهادی به خود گرفت و روحانیت نیز تدریجاً این مجموعه را به فهرست مأموریت‌های اجتماعی خود اضافه کرد.



برخی از موقعیت‌های نسبتاً نوپدید روحانیت عبارت‌اند از: بسط گستره تبلیغی روحانیت در قالب تبلیغ در کشورهای مختلف، تولید و عرضه محصولات رسانه‌ای بعضاً چندزبانه متناسب با مخاطبان غیرمسلمان؛ بسط نقش تعلیمی روحانیت به آموزش تعلیمات دینی در مدارس، تدریس دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها، طرح مباحث الهیاتی و معارفی در رسانه‌های جمعی و اجتماعی، آموزش طلاب خارجی (در داخل و خارج کشور) با هدف بهره‌گیری‌های تبلیغی از آن‌ها در کشورهای دیگر؛ بسط نقش آموزشی و تعلیمی روحانیت به فراگیری علوم انسانی و علوم اجتماعی جدید در رشته‌های مختلف و تأسیس مراکز حوزوی دانشگاهی در جنب مدارس و حوزه‌های سنتی؛ بسط نقش پژوهشی روحانیت به عرصه‌های میان‌رشته‌ای به‌ویژه در علوم انسانی و علوم اجتماعی جدید با رویکرد دینی و با هدف اسلامی‌سازی این علوم یا تولید علوم انسانی و اجتماعی اسلامی، انجام پژوهش‌های گسترده و عمیق در معارف اسلامی با رویکردهای جدید و با هدف تأمین نیازهای شناختی و کاربردی جامعه و نظام اسلامی متناسب با اقتضائات دوران؛ بسط نقش‌های اجتماعی در قالب ورود گسترده به دستگاه قضا، ایفای نقش نمایندگی رهبری در سازمان‌های مختلف اداری، علمی، اقتصادی، انتظامی، نظامی و امنیتی؛ بسط نقش سیاسی در قالب نمایندگی خبرگان، نمایندگی مجلس شورا، مناصب وزارتی، نمایندگی فرهنگی در سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی؛ بسط نقش فقهی حقوقی در قالب شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و... از ایفای نقش‌های اجتماعی گسترده روحانیت گاه با عنوان عام «تلاش برای اقامه دین» در جامعه یاد می‌شود.

≠ شما به دسته‌ای نه‌گانه از وظایف روحانیت اشاره کردید که بخشی از آن را می‌توان نقش‌های سنتی روحانیت تلقی کرد و بخش دیگری را جزء نقش‌های جدید و پرتلاطمی برشمرد که البته در پرتو انقلاب اسلامی برای این نهاد ایجاد شده است. به نظر حضرت‌عالی با توجه به این تقسیم‌بندی که به

نظر می‌رسد تقسیم‌بندی جامعی است، چه عواملی موجب گستردگی نقش‌های اجتماعی روحانیت در مقایسه با دیگر نهادها و کارگزاران اجتماعی در جامعه ایران شده است؟

در پاسخ به چرایی بسط نسبی موقعیت اجتماعی روحانیت و تنوع نقش‌های محول آن در مقایسه با دیگر عوامل و کارگزاران اجتماعی به چند عامل می‌توان استناد کرد: شرافت و قداست ذاتی دین، دین‌داری و دین‌ورزی عموم، سیطره گفتمانی دین بر تمامیت زندگی، پهنایی و ژرفایی حضور دین در سازمان زندگی به مثابه روح دمیده در سطوح انفسی و آفاقی جامعه، گستره حداکثری نظام حکمی و اخلاقی دین برای پوشش‌دهی هنجاری به همه عرصه‌های کنشی، نیاز شدید جامعه بعد از انقلاب به بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های فرهنگ دینی با هدف تأمین ملزومات زیست‌مشرعانه در عرصه‌های مختلف (به‌ویژه در حوزه نهادسازی)، مرجعیت انحصاری روحانیت برای تأمین ملزومات معنایی زیست مؤمنانه در ساحت‌های مختلف حیات اجتماعی، اعتماد عمومی و تعلق خاطر مردم به این قشر به تبع انتساب آن‌ها به دین، میراث‌داری رسالت انبیا و ثبت پیشینه مثبت عملکرد آن‌ها در تاریخ؛ برخورداری نسبی آن‌ها از ویژگی‌های اعتقادی و اخلاقی دین محور به تبع اقتدای حداکثری به تعالیم دین، تخصص و تمحّض آن‌ها در دانش‌ها و اطلاعات خاص دینی، تعهدمندی نظری و عملی به تبلیغ و ترویج تعالیم دین، احساس مسئولیت اجتماعی در قبال فرهنگ عمومی و جامعه انسانی (نه فقط فرهنگ دینی و جامعه مؤمنان)، کنشگری تمام‌وقت در تحقق اهداف و تأمین انتظارات فرهنگی و معنوی جامعه، تلبس به لباس خاص و تمایزبخش (دارای اعتبار ارزشی)، حضور همه‌جایی و دسترسی نسبتاً آسان، توانمندی نسبی در پاسخ‌دهی به سؤالات و رفع شبهات معرفتی، عقیدتی، ارزشی، هنجاری و رفتاری در قلمرو فرهنگ دینی؛ نبود رقیب و بدیل مقبول و متنفذ (دست‌کم تا این مرحله)، دستیابی به فرصت‌ها و امکانات نقش‌آفرینی وسیع به یمن انقلاب اسلامی و برخورداری از حمایت‌های





همه‌جانبه نظام اسلامی. تردیدی نیست که موقعیت روحانیت و وضعیت کلی این نهاد طی سال‌های بعد از انقلاب، فراز و فرودهای زیادی را پشت سر گذاشته است که به دلیل ضیق مجال از ورود بدان اجتناب می‌کنیم.

تا اینجا مشخص شد روحانیت با توجه به ارزش ذاتی و قداستی که دین در جامعه دارد، در هر صورت جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده و نقش‌های گسترده‌ای را پذیرفته است. مسلماً از سازمانی که وابسته به دین است، انتظار می‌رود اولاً فضایل اخلاقی را بهتر از دیگران درک کند و ثانیاً بیش از همگان شئون اخلاقی را در جامعه رعایت کند؛ چراکه بخشی از دین، اخلاق است و کسی که متولی دین است خود باید آمر به این بخش از دین باشد، به‌ویژه در ایفای نقش‌هایی که بر عهده دارد. به نظر شما این نهاد برای ایفای موفق این مجموعه وسیع از نقش‌های اجتماعی با اقتضائات متفاوت، مکلف به داشتن چه نوع فضایل و صلاحیت‌های اخلاقی است؟

ابتدا باید عرض کنم که میان روحانیت به‌مثابه افراد و کنشگران فردی با روحانیت به‌مثابه یک نهاد اجتماعی باید فرق قائل شد. بدیهی است که نسبت این دو با مقوله اخلاق متفاوت است. اخلاق در یکی، فردی (ارتباط فرد با خود) و در دیگری، اجتماعی (ارتباط فرد با دیگری) است؛ هدف از اخلاق فردی، تنظیم امور فردی و در ادامه، کسب ملکات و فضایل نفسانی است؛ اما هدف از اخلاق اجتماعی، تنظیم روابط و مناسبات با دیگران همراه با رعایت حقوق و تکالیف مشترک است.

اخلاق فردی صرفاً با ارجاع به حسن و قبح عقلی و مصالح فردی اعتبارسنجی می‌شود؛ اما در ارزیابی اخلاق اجتماعی، علاوه بر آن، اقتضای شرایط، منطق موقعیت و مصالح جمعی نیز دخالت داده می‌شود. ضمانت اجرا در اخلاق فردی، درونی، اعتقادی و غیررسمی است؛ اما در اخلاق اجتماعی بیرونی و همراه با ترکیبی از

عوامل رسمی و غیررسمی است. تردیدی نیست که هر دو نظام اخلاقی، متضمن اصول و قواعدی ثابت و متغیرند.

گفتنی است اخلاق اجتماعی آنگاه که در چارچوب یک سازمان مشخص و دارای مأموریت کارکردی معین به جریان می‌افتد، اخلاق سازمانی، حرفه‌ای و کاربردی خوانده می‌شود. مفاد اخلاق اجتماعی سازمانی معمولاً در چارچوب یک منشور اخلاقی معین تدوین و تصویب می‌شود و ضمانت اجرای رسمی و غیررسمی دارد. روشن است که اخلاق سازمانی را نیز نمی‌توان به اخلاق فردی فروکاست؛ چراکه سازمان، علاوه بر افراد، ابعاد دیگری همچون برنامه، مقررات، ساختار، فناوری و اهداف نیز دارد. بنابراین، فرد، دارای هویت و شخصیت حقیقی و سازمان، دارای هویت و شخصیت حقوقی است.

بر این اساس، روحانیت، علاوه بر التزام نظری و عملی به نظام اخلاقی موسوم به اخلاق بندگی، اعتقادی و فضیلت‌محور (که به اعتبار آن‌ها باید بدان مقید باشد)، باید به اقتضای وظایف سازمانی پذیرفته‌شده و میدان کنش رسمی، به نوع دیگری از اخلاق به نام اخلاق سازمانی یا کاربردی نیز پایبندی عملی نشان دهد؛ به بیان دیگر، شخص روحانی به اعتبار تعلق و وابستگی به یک صنف خاص، هنگام ایفای نقش‌های محول و موردانتظار، ملزم به رعایت نوعی اخلاق عملی متناسب با جایگاه و شأن صنفی، موقعیت اجتماعی، اقتضائات نقشی و انتظارات محیطی است. بی‌شک، این سطح از تعهدمندی اخلاقی، لازمه قهری ورود در میدان‌های مختلف اجتماعی و ایفای نقش‌های موردانتظار است. روشن است که روحانیت، به‌ویژه برای ایفای نقش‌های تعالی‌بخش (در مقابل نقش‌های تمهیدی) و عرضه خود در تراز یک شخصیت معیار و الگوی مرجع دینی، به سطح بالاتری از نصاب اخلاقی معمول و التزامات ارزشی نیازمند است.

≠ پس به نظر حضرت عالی، چون روحانیت یک نهاد دینی است که حوزه عمومی، آن را پذیرفته و در نتیجه، الگو و مرجع دینی مردمی است که



قرار است به آن اقتدا کنند، باید ملزم به رعایت نوعی از اخلاق سازمانی باشد. با وجود این، به نظر شما مهم‌ترین بایسته‌ها و نابایسته‌های اخلاقی که در نقش آفرینی روحانیت در میدان‌های مختلف تأثیرگذار هستند، کدام‌اند؟

مواردی که در اینجا به آن‌ها اشاره می‌کنم، بعضاً دارای مفاد مستقیم اخلاقی نیستند؛ اما به دلیل آنکه از حیث منشأ و خاستگاه، پیامد یا اقتضا به مقوله اخلاق ارتباط می‌یابند، به آن‌ها اشاره می‌کنم:

کسب شناخت کافی از جهان معاصر و اقتضات زمانی و زمینه‌ای آن به مقتضای نقش و رسالت خود، تلاش برای آگاهی و ارائه تفسیرهای خردپسند و روزآمد از آموزه‌های دینی، انعطاف لازم برای بازاندیشی در تفسیرها و قرائت‌های ضعیف و غیرقابل دفاع پیشین، اولویت و ارجحیت دادن به رسالت تبلیغ دین و اهتمام بدان در هر شرایط ممکن، آماده‌سازی خود برای ایفای نقش الگویی (به‌ویژه در حوزه معنویت و اخلاق)، اهتمام به تخصص‌گرایی و واردنشدن به عرصه‌هایی که در آن دانش و تجربه کافی ندارد، کسب آمادگی‌های شناختی و مهارتی لازم برای ایفای نقش‌های محول پیش از احراز آن‌ها، افزایش آمادگی معرفتی و مهارتی برای برقراری ارتباطات انسانی و سازمانی با عوامل مختلف ذی‌ربط و معاشرت نیکو با مرتبطان، حق‌مداری و حق‌محوری در اتخاذ مواضع مختلف، تلاش حداکثری برای رفع تعارضات محتمل میان قول و عمل، احترام‌نهادن به تنوع افکار، سلیق، دیدگاه‌ها و مواضع (توجه به تکثر و تنوع صداها و روایت‌ها به‌جای اصرار بر تک‌صدایی و تک‌روایتی)، مواجهه انتقادی با ضعف‌ها و کاستی‌ها، مقابله طبیعی با خرافات و انحرافات فرهنگی و محیطی، انعطاف لازم در پذیرش نقدها و واکنش‌های انتقادی، مشارکت فعال در ایجاد تغییرات و اصلاحات فرهنگی اجتماعی ضروری، تلاش قاطع برای تقویت زمینه‌های هم‌بستگی اجتماعی و پرهیز از دامن‌زدن به اختلافات (قومی، مذهبی، صنفی، جنسی و حزبی)، بهره‌گیری





حداکثری از ظرفیت‌های رسانه‌ای موجود برای ابلاغ پیام خود به مخاطبان مختلف، هوشمندی و بصیرت در مواجهه با اختلالات محیطی و ویروس‌های مخرب فکری، فرهنگی، اعتقادی و اخلاقی، احساس مسئولیت قاطع در قبال مشکلات و بحران‌های محیطی به‌ویژه از نوع فرهنگی مذهبی آن و...

متقابلاً روحانیت از برخی نابایسته‌ها و کاستی‌های نظری و عملی (به‌ویژه با توجه به مقوله اخلاق) تا حد امکان باید اجتناب ورزد؛ از جمله:

ضعف توان در کاربست مهارت‌های ارتباطی متناسب با اقتضائات و انتظارات هر حوزه، ورود به عرصه‌های غیرضروری و ناهم‌خوان با شأن و مرام روحانیت، انحصارگرایی و بی‌اعتنایی به دیگر بازیگران صحنه (به‌ویژه در بخش‌هایی که تخصصی‌های غیرمعارفی نیز نقش تعیین‌کننده دارند)، عوام‌گرایی و هم‌سویی با منویات و انتظارات ناموجه عوام، اصرار بر مناسک‌گرایی سطحی و بی‌اعتنایی یا کم‌توجهی به تمنیات معنویت‌جویانه، سکوت ناموجه در مقابل بدعت‌ها و انحرافات، مماشات با مدیران و کارگزاران ضعیف و ناکارآمد، ترس از مقامات و ارباب قدرت و نفوذ، دلبستگی و چشمداشت به عطایا و مواهب دارندگان قدرت و ثروت، تراشیدن دلایل شرعی برای توجیه تصمیمات نابه‌جای برخی مسئولان، دفاع یا توجیه عملکردهای ناصواب برخی از کارگزاران نظام، تأثیرپذیری از ضعف دغدغه‌های اخلاقی موجود در فرهنگ عمومی جامعه، دخالت دادن مشکلات و مضیقه‌های معیشتی در ایفای رسالت فرهنگی، تلاش و تکاپو برای کسب مناصب سیاسی اجتماعی از هر طریق ممکن، کاهش ارتباط مستقیم با مردم به دلیل اشتغال در سازمان‌های مختلف، غلبه روحیات محافظه‌کارانه و غیرانتقادی (به بهانه‌هایی همچون لزوم حفظ نظام و پرهیز از تضعیف آن)، مجیز‌گویی و تملق ارباب قدرت، تقدم منافع صنفی بر منافع عمومی هنگام تعارض، ضعف توان در بهره‌گیری بهینه از فرصت‌ها و امکانات موجود نظام در راستای تبلیغ دین و فرهنگ دینی، تظاهر به نمادهای اشرافیت مثل خانه و ماشین

لوکس، برتری طلبی، زیاده خواهی و ویژه خواری، بی‌اعتنایی به رفتارهای آشکار آقازاده‌ها (به ویژه برای روحانیون دارای مناصب رسمی)، ضعف تعامل مطلوب با مخاطب در مقام تبلیغ دین (مثل نداشتن مطالعه کافی، ارائه مباحث ضعیف و منسوخ، بی‌توجهی به دیدگاه‌ها و انظار تخصصی، بی‌توجهی به نیازها و انتظارات مخاطب، رعایت نکردن اقتضات زمانی و مکانی، کم‌توجهی به خرد جمعی و سیره‌های عقلایی و مرشد اخلاق بودن به جای عمل به آن)، اعتراف نکردن به خطاها، لغزش‌ها و اشتباهات (در وقت مقتضی)، مواجهه هیجانی و ناسنجیده با امور مهم، نداشتن نگاه سیستمی به جامعه و تأثیرپذیری آن از اوضاع جهانی.

روحانیت همچنین به اقتضای موقعیت ساختاری، رسالت فرهنگی اجتماعی، انتظارات عمومی و ضرورت‌های حیات جمعی همواره باید بر ارزش‌های اخلاقی عامی از این دست تأکید ورزد و خود قویاً بدان متعهد باشد: صداقت، صبوری، وقار، متانت، تواضع، گشاده‌رویی، انعطاف، مدارا، لحن و بیان مناسب، خیرخواهی، همراهی و همدلی با مردم (به ویژه طبقات فرودست)، اتخاذ زی و مرام زاهدانه و بی‌اعتنایی به زرق و برق دنیا، دردمندی و مسئولیت‌شناسی، شنو بودن در مقابل انتقادات و اعتراضات، حفظ هوشیاری و دفع زمینه سوءاستفاده دیگران، اهتمام به رعایت آداب و شعائر مذهبی، اهتمام به رعایت آداب و شئون پذیرفته شده اجتماعی، پرهیز از مریدبازی (و طرح دواعی فریبنده برای جلب نظر توده‌ها)، مشارکت فعال در ارائه خدمات اجتماعی (امیدآفرینی و بهجت‌افزایی، مشورت‌دهی، رفع اختلافات و کدورت‌ها، ایجاد الفت و آشتی میان مردم، ایفای نقش طیب دوار، ایفای نقش میانجی میان مردم و مراجع تقلید، تلاش برای رواج و تقویت معروف‌ها، مقابله قاطع با منکرات و زشتی‌ها، اصلاح مناسبات، فرایندها و ساختارها، اصلاح بینش‌ها و نگرش‌ها)، بسط قلمرو ارتباطی با اقشار مختلف حتی غیرمؤمنان، اعمال فشار صنفی بر روحانیون متخلف و ناهم‌سو.





≠ تا اینجا روشن شد روحانیت چه نقش‌هایی دارد و در پس این نقش‌ها در تعاملات خود با جامعه باید به کدام بایسته‌های اخلاقی توجه داشته باشد و علاوه بر آن، چگونه موقعیت ساختاری و رسالت فرهنگی خود را نیز حفظ کند. اکنون بفرمایید حضور اجتماعی روحانیت در این موقعیت‌ها، چه فرصت‌هایی برای بسط ضمنی اخلاق و افزایش نصاب زیست اخلاق عمومی در جامعه فراهم می‌سازد؟

بی‌شک، حضور اجتماعی فعال روحانیت فرهیخته و دارای پایبندی حداکثری به ارزش‌های اخلاقی، مردمی و دارای اعتبار و مقبولیت اجتماعی در عرصه‌های مختلف فعالیت اجتماعی، بالقوه می‌تواند زمینه و بستر مناسبی برای ایجاد فضای اخلاقی و تقویت حساسیت‌ها در جامعه فراهم سازد. البته همان گونه که قبلاً هم اشاره شد، تحقق این مهم به زمینه‌ها، شرایط، امکانات و مقوماتی نیاز دارد که بدون تمهید آن‌ها، نتایج درخوری را نمی‌توان انتظار داشت؛ از این رو، روحانیت در صورت برخورداری از ویژگی‌های شخصیتی و منشی که در بالا به آن اشاره شد و همچنین مساعدت زمینه‌ها و اقتضائات محیطی می‌تواند در حوزه‌هایی از این دست قویاً مؤثر باشد. این حوزه‌ها عبارت‌اند از: ایفای نقش الگویی برای دیگران، تلاش برای تبدیل ارزش‌های اخلاقی به قواعد و هنجارهای متناسب با اقتضائات زمانی و مکانی و قلمروهای کاربری، آگاهی‌بخشی و انتقال معارف اخلاقی به فرهنگ عمومی، مشارکت در فرایندهای تربیت و جامعه‌پذیری اخلاقی، تقویت انگیزه‌های اخلاقی زیستن، تقویت حساسیت‌ها و افزایش نصاب پایبندی عموم به رعایت هنجارهای اخلاقی (به‌ویژه از طریق تبیین آثار این جهانی و آخرتی مترتب بر زیست اخلاقی در سطوح فردی و اجتماعی)، شناسایی موارد تعارض و تزامم ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی در قلمروهای مختلف، ارائه گزینه‌های مناسب برای برون‌رفت از تعارضات اخلاقی محتمل، اعتبارسنجی اخلاقیات وارداتی و در صورت لزوم، مقابله هدفمند با آن‌ها، واکسینه کردن مردم در مقابل ویروس‌های اخلاقی و در کل،

فرهنگ‌سازی اخلاقی در گستره کلان حیات اجتماعی. در هر حال، تردیدی نیست که بازرترین خصیصه‌ای که ادعای انتساب روحانیت به دستگاه رسالت و نبوت را در اذهان عموم، به‌ویژه متشرعان، موجه می‌سازد و میزان تمثل و تبلور دین در نظام شخصیت، سیره نظری و عملی و سلوک فردی و اجتماعی آن‌ها را مدلل می‌سازد و اعتماد عموم را به صحت دواعی و پروژه‌های اجرایی آن‌ها تقویت می‌کند، بعد از تخصص و دانشوری اجتهادی در کلیت دین، خلیات و منش اخلاقی (به‌معنای عام) و میزان پایبندی آن‌ها به ارزش‌ها و قواعد اخلاقی در عرصه‌های مختلف حیات فردی و اجتماعی است.

≠ با این حال، روحانیت بر اساس نقش‌هایی که بر عهده دارد، برای نفوذ و کارکرد بیشتر در جامعه، اولاً در تعاملات خود با افراد و جامعه به‌عنوان کنشگر نیازمند اخلاق سازمانی است و ثانیاً باید برای گسترش اخلاق در جامعه به‌عنوان وظیفه‌ای ذاتی تلاش کند. طبیعی است یکی دیگر از مواضعی که در آن می‌توان نهاد روحانیت را با دیگر کارگزاران اجتماعی مقایسه کرد، وجود مشکلات و موانع در ایفای رسالت سترگ اخلاقی است. به‌عنوان آخرین سؤال، به‌نظر شما روحانیت در ایفای این رسالت با چه موانع و مشکلات صنفی و زمینه‌ای مواجه است؟

شماری از اندیشمندان بر این باورند که روحانیت به‌دلیل وقوع برخی تحولات ساختاری در سطح کلان جامعه، وجود برخی ضعف‌های درونی و نداشتن توان لازم برای ایفای رسالت‌های اجتماعی و تأمین انتظارات متناسب با اقتضائات زمانی و محیطی، مشارکت در استقرار و استمرار حکومت دینی و ملزومات قهری آن، ضعف‌های مشهود در میزان پایبندی عملی به نظام باورها و ارزش‌های تبلیغی خود و در نهایت، فشارهای موقعیتی ناشی از تحولات زمانه و شرایط خاص ایران بعد از انقلاب تا حدی از جایگاه و مرتبت ذهنی و عینی پیشین خود





حتی در مقایسه با دو دهه اول انقلاب) از نگاه جامعه فرو افتاده است. به نظر من برخی از عواملی که از جنبه موقعیتی و کارکردی در این فرو کاهیدن مؤثر بوده‌اند، از این قرارند:

- کاهش نقش اجتماعی دین (در ابعاد الهیاتی، مناسکی و شریعتی) در جامعه به دلیل رشد تدریجی فرایند عرفی شدن و تسلط نسبی آن بر زیست جهان روزمره به ویژه در عرصه‌های اجتماعی؛

- افت مرجعیت معرفتی روحانیت به دلیل افزایش سواد دینی عموم، ظهور جریان روشن فکری دینی، پررنگ شدن نقش رسانه‌ها در عرصه جامعه‌پذیری دینی، سیاست همه‌روحانی (همه خود را روحانی پنداشتن و احساس بی‌نیازی کردن از روحانیت)، افزایش مراودات فرهنگی مردم و آگاهی از قابلیت‌های دیگر ادیان و مکاتب، تغییر انتظارات از دین، معنویت‌گرایی و اخلاق‌گرایی (به جای دین‌ورزی)؛

- افت قداست و مرجعیت معنوی و اخلاقی روحانیت به دلیل آمیختگی با سیاست، تبدیل تدریجی جذب معنوی و نفوذ اجتماعی به اقتدار سیاسی، درگیر شدن در بازی‌های حزبی و جناحی، درست بهره‌نگرفتن از موقعیت‌های احراز شده، دست‌یازیدن به اعمال غیرمنتظره و خلاف شأن، تأخر برخی روحانیون از اقتضائات ارزشی و هنجاری زمانه؛

- افت اعتبار اجتماعی روحانیت به دلیل کاهش ارتباطات مردمی و کاهش علاقه به تبلیغ سنتی (از طریق منبر)، کم‌اقبالی تدریجی به موقعیت‌ها و نقش‌های مدنی و اجتماعی سابق تحت تأثیر اشتغال به مسئولیت‌های حکومتی و اجرایی، ورود بی‌رویه به مناصب حکومتی (با وجود آمادگی‌های لازم)، محدود شدن ارتباطات مستقیم آن‌ها با مردم، تبلیغات سوء داخلی و خارجی برای بد جلوه دادن روحانیت؛

- افت اعتبار اجتماعی روحانیت به دلیل ابراز نکردن مواضع انتقادی موردانتظار در قبال عملکردهای ضعیف و فرصت طلبانه برخی مسئولان اجرایی و کارگزاران نظام اسلامی و احیاناً توجیه اشتباهات و ناکارآمدی آن‌ها؛

- کاهش میزان وابستگی اطلاعاتی، معرفتی و اعتقادی توده‌ها به روحانیت به دلیل فراهم شدن امکان تأمین این نیازها از دیگر منابع و مجاری؛
- ریزش غیرمنتظره مخاطبان روحانیت به دلیل بالارفتن سطح تحصیلات، رسانه‌ای شدن جامعه (طلاب جوان غالباً از طریق رسانه‌های نوین، فعالیت‌های تبلیغی خود را به انجام می‌رسانند)، کالایی شدن پیام‌ها و محصولات فرهنگ دینی، ظهور رقبا و مدعیان بدیل، تقسیم کار پیچیده و بروز برخی فاصله‌ها، تنوع و تکثر دین‌داری، وقوع تغییرات اساسی در سبک زندگی، گرفتار آمدن عموم در چنبره زندگی روزمره، پرمشغله شدن انسان مدرن، نبودن آرامش و فراغت برای شرکت در محافل دینی و استماع مواعظ دینی، اشتغال زیاد در فضای مجازی، اختلالات شخصیتی و تعارضات هویتی، بروز انواع شکاف‌های نسلی، جنسی، فرهنگی و موقعیتی، پرشدن اوقات فراغت با اشتغالات سرگرم‌کننده به جای فعالیت‌های مفید فرهنگی؛
- تشدید فردگرایی، جریان‌سازی و بروز برخی انشعابات متعدد در سازمان روحانیت به دلیل شرایط عصری و کاهش سازکارهای نظارتی و کنترلی حوزه بر اعضای خود؛
- مخدوش شدن زی و مرام طلبگی به دلیل تحولات زمانه، ضعف التزام حوزه‌ها به تربیت اخلاقی طلاب، خالی شدن حوزه‌ها از شخصیت‌های الگو و اسوه‌های اخلاقی، تفسیر عصری و متغیر از شاخص‌های زیست معیار، نفوذ تدریجی عرفی شدن در حوزه‌ها، کاهش انگیزه‌ها برای استمرار سبک زندگی طلبگی به روال سنتی، حضور در موقعیت‌های مختلف و تأثیرپذیری قهری از اقتضائات آن، تأثیرپذیری از شرایط عام اجتماعی، کم‌رنگ شدن وجوه تمایز الگویی با دیگر اقشار؛
- نداشتن آمادگی لازم برای ایفای نقش الگویی و مرجعیت اخلاقی به دلیل ضعف جامعه‌پذیری متناسب، ضعف سواد و دانش اخلاقی (به‌ویژه ضعف آگاهی از





هنجارهای اخلاق کاربردی و حرفه‌ای به تناسب موقعیت‌ها و نقش‌های مختلف)، ضعف حساسیت اخلاقی، ضعف تخیل اخلاقی (تصور خود در زمان‌ها و موقعیت‌های مختلف و محتمل)، ضعف تدبیر در موارد ابتلا به تعارضات اخلاقی (بلا تکلیفی هنگام مواجهه با دو یا چند وظیفه اخلاقی ناسازگار) و چگونگی تشخیص وظیفه، ضعف توازن در جاذبه‌ها و دافعه‌های اخلاقی، ضعف توان در پاسخ‌گویی به نیازها و ضرورت‌های اخلاقی ثابت و متغیر جامعه، غلبه گفتمان فقه‌محوری و مناسک‌گروی در مواجهه تبلیغی و تربیتی روحانیون با جامعه؛

- تخصصی شدن دانش طلاب (در پرتو تحصیل در مراکز دانشگاهی و مراکز حوزوی شبه‌دانشگاهی) و بروز درجاتی از ناهم‌زبانی و اختلال در تعاملات درون‌صنفی و توده‌ای، بروز برخی انشعابات فکری و ظهور مشرب‌های جدید کلامی، فقهی و سیاسی در میان روحانیون؛

- بروز درجاتی از اختلاف طبقاتی در میان روحانیت به دلیل تفاوت در سطوح معیشتی و منابع کسب درآمد؛

- ورود به قلمرو علوم انسانی و علوم اجتماعی دانشگاهی و تعارض ناخواسته با اهالی این علوم در دانشگاه‌ها؛

- عملکردهای ضعیف نظام اسلامی به ویژه در عرصه‌های اقتصادی و بازتاب آن در نحوه مواجهه منفی مردم با روحانیت؛

- بروز درجاتی از اختلاف میان روحانیون در همراهی کردن یا نکردن با نظام اسلامی و اهداف، سیاست‌ها و عملکردهای آن.

≠ ضمن تشکر مجدد از مشارکت حضرت‌عالی در این گفتگو، در

پایان لطفاً منابعی را معرفی بفرمایید که مخاطبان مجله را با این مبحث بیشتر

آشنا کند.

- از مهم‌ترین منابعی که می‌تواند سرخط‌های مناسبی برای مخاطبان شما در پی‌جویی این سنخ مباحث به دست دهد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
۱. احمدپور، مهدی (۱۳۹۷)، «گونه‌شناسی و تحلیل آسیب‌های اخلاقی تبلیغ دین»، فصلنامه اخلاق، ش ۲۹، ص ۳۱-۵۵.
 ۲. احمدپور، مهدی (۱۴۰۱)، اخلاق تبلیغ دین: منشور اخلاقی مبلغان در سیره اهل بیت علیهم‌السلام، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
 ۳. اسفندیاری، محمد (۱۴۰۰)، «آسیب‌شناسی روحانیت»، فصلنامه حیات معنوی، ش ۱۰، ص ۱۹۹-۲۰۸.
 ۴. بوسلیکی، حسن (۱۳۹۱)، «اخلاق تبلیغ دین در عصر حاضر؛ ارزش‌ها و معضل‌ها»، فصلنامه اسراء، ش ۱۳، ص ۱۷۱-۲۰۱.
 ۵. جعفریان، مجید (۱۴۰۱)، «واکاوی فهم طلاب از تراحم اخلاقی در عمل به وظیفه طلبگی و زندگی روزمره»، فصلنامه اخلاق، ش ۴۴، ص ۴۵-۷۶.
 ۶. دیبا، حسین (۱۴۰۰)، «عوامل کاهش تأثیرگذاری روحانیت در رشد اخلاقی جامعه ایران»، فصلنامه حیات معنوی، ش ۱۰، ص ۷۹-۹۲.
 ۷. ربانی خوراسگانی، علی (۱۳۹۵)، درآمدی بر جامعه‌شناسی تبلیغ دین در ایران: مطالعه جامعه‌شناختی وضعیت مبلغان روحانی بر اساس پژوهشی در اصفهان، اصفهان: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۸. شجاعی زند، علیرضا (۱۳۹۴)، دین در زمینه و زمانه مدرن، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 ۹. شرف‌الدین، سیدحسین (۱۳۹۹)، مخاطب‌شناسی در ارتباطات تبلیغی، تهران: پژوهشکده باقرالعلوم علیه‌السلام وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی.
 ۱۰. غفوری، محمدجواد (۱۳۹۳)، «بایسته‌های مبلغین برای تبلیغ دین در اینترنت»، فصلنامه علمی تخصصی فرهنگ پژوهش، ش ۱۷، ص ۷۳-۹۸.





۱۱. فیاض، ابراهیم و حسین بستان (۱۳۸۹)، «آسیب‌شناسی تبلیغ دینی در تلویزیون»، *دوفصلنامه اسلام و علوم اجتماعی*، ش ۴، ص ۳۹-۵۷.
۱۲. نجفی زنجانی، حافظ (۱۳۹۱)، *اخلاق و آداب در تبلیغ*، قم: پژوهشکده باقرالعلوم، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۱۳. واسعی، سیدعلیرضا و محمدشمس‌الدین دیانی (۱۳۸۶)، *درآمدی بر روش‌های تبلیغی ائمه اطهار*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
14. Haidt, J. and Joseph, C. (2004). "Intuitive Ethics: how innately prepared intuitions generate culturally variable virtues". *Daedalus*, Fall, 55-66.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی